

تحلیل اجتماعی نقش انگ زنی غیر رسمی در نگرش دانشجویان نسبت به مواد (مخدر)

اکبر علیوردی نیا، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران*

حیدر جانعلیزاده چوب بستی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

آزاده جعفری، کارشناس ارشد دانشگاه مازندران

چکیده

تحقیق حاضر با توجه به آزمون تجربی نظریه انگ زنی (برچسب)، به دنبال تحلیل اجتماعی و راهبردی نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به مواد انجام شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده است و ۴۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که ۷۶/۶ درصد از دانشجویان دانشگاه مازندران نگرش منفی نسبت به مواد (مخدر) داشته‌اند و نگرش منفی نسبت به مواد در بین دانشجویهای دختر بیشتر از دانشجویان پسر بوده است. همچنین، میزان دریافت برچسب غیر رسمی و سابقه رفتار انحرافی در بین دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بوده است. همچنین، با توجه به داده‌های توصیفی پسرها در مقایسه با دخترها ارزیابی بهتری را از سوی دوستانشان نسبت به خود نشان دادند. به طور کلی، متغیرهای سابقه رفتار انحرافی، ارزیابی منفی والدین از فرد، ارزیابی منفی استادان از فرد با متغیر وابسته؛ یعنی نگرش نسبت به مواد ارتباط معناداری داشته‌اند. در ایران، اطلاعاتی کیفی قابل اعتماد در زمینه وضعیت سوء مصرف مواد و نوع نگرش دانشجویان نسبت به مواد وجود ندارد و راهبردهای مقابله با این مسأله نیز همچنان نامعلوم است.

واژه‌های کلیدی: نگرش نسبت به مواد، برچسب غیر رسمی، خود انگاره

بیان مسأله

مسأله مواد مخدر یکی از مسایل مهم و جدی در سطح بین‌المللی است که از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فیزیولوژیک نگاه‌های مختلفی را به خود معطوف نموده است. آمارها نیز بیانگر این مطلب هستند که میزان مصرف مواد در بین جوامع مختلف، بویژه در میان نوجوانان و جوانان در دهه‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است (ملکیور و همکاران، ۲۰۰۷). بنا به گزارش سازمان مواد مخدر در سال ۲۰۰۴ میلادی تعداد مصرف‌کنندگان انواع مواد (مخدر) رقمی حدود ۱۸۵ میلیون نفر برآورد شده است که ۳ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود (طرح ملی مبارزه با مواد اسپانیا، ۲۰۰۰).

طبق گزارش دفتر پیشگیری از مصرف مواد و جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵، کشور ایران دارای بیشترین تعداد سوء مصرف‌کنندگان مواد افیونی به نسبت جمعیت، در جهان بوده و بالاترین شیوع سوء مصرف با ۲/۸ درصد در بین افراد در ایران وجود دارد (ضیایی، ۱۳۸۸). با توجه به آمارهایی که از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام شده است، تعداد معتادان در سال ۱۳۸۶، ۱۲۰۰۰۰۰ نفر اعلام شده که ۱۱۳۷۶۰۰ نفر آنها مرد و ۶۲۴۰۰ نفر آنها زن بوده‌اند (کتاب سال ۱۳۸۸ ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۸: ۸). علاوه بر این، در سال ۱۳۸۸، ۲۳۱۹۰۸ نفر در ارتباط با جرایم مربوط به مواد دستگیر شده‌اند که از این تعداد ۱۰۳۷۸ نفر از استان مازندران بوده‌اند (همان: ۵۱). میزان کشفیات انواع مواد در سال ۱۳۸۸، میزان ۶۸۶۴۷۱ کیلوگرم بوده که ۳۳۸۹ کیلوگرم آن در استان مازندران کشف شده است (همان: ۴۷).

ایران به طور گسترده‌ای به عنوان جاده ترانزیتی

برای تأمین مواد از هلال طلایی به کشورهای غربی استفاده شده است. آشنایی قاچاقچیان بین‌المللی به مسیر ایران، همکاری قاچاقچیان داخلی و قرار گرفتن کشورمان در مجاورت دو منطقه مهم هلال طلایی و مثلث طلایی، ایران را به یکی از دالان‌های مهم ترانزیت مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. به لحاظ جغرافیایی، ایران کوتاهترین و ارزانترین مسیر ترانزیتی مواد مخدر است. ایران در همسایگی هلال طلایی، بزرگترین منطقه کشت و تولید مواد مخدر، واقع شده است. حدود یک قرن است که مواد مخدر از افغانستان و پاکستان و ایران ترانزیت می‌شود. همچنین، ویژگی‌های قومی و روابط نزدیک میان ساکنان دوسوی مرزهای بین‌المللی ایران و افغانستان زمینه تخلفات مواد مخدری را فراهم نموده است. مواد مخدر وارد به استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان به صورت عمده در مسیرهای مختلفی به گردش در می‌آید، که یکی از مسیرهای عمده، مسیر استان مازندران است. استان مازندران به علت همجواری با استان‌های گلستان و خراسان، یکی از مسیرهای ترانزیت مواد مخدر محسوب می‌شود؛ به طوری که این مواد پس از ترانزیت از تربت جام، مشهد، قوچان و بجنورد، به گنبد، گرگان، ساری، بابل و آمل می‌رسد و سپس به تهران انتقال می‌یابد (علیوردی نیا، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

سوء مصرف مواد مخدر عبارت است از هرگونه وابستگی شدید روانی یا فیزیولوژیک ارگانیک نسبت به دارو و یکی از مهمترین معضلاتی است که سلامت اقدار مختلف جامعه، بویژه نسل جوان را تهدید قرار می‌کند و سرمایه‌های کلانی را برای مبارزه با آن و جبران صدمات ناشی از آن فرو می‌بلعد و همه

دگران مهم می‌تواند روی رفتارهای انحرافی و نگرش مساعد دانشجویان نسبت به این رفتارها داشته باشد. رهیافت برجسب زنی عمدتاً بر واکنش ناظران اجتماعی نسبت به اشخاص و رفتار آنها و آثار بعدی این واکنش متمرکز است و کمتر به علت خود رفتار انحرافی توجه می‌نماید. علاوه بر این، نظریه پردازان برجسب زنی مدعی هستند که شیوه برخورد با متخلفان، بیش از آنکه به رفتار آنها بستگی داشته باشد، به چگونگی نگاه دیگران به اعمال آنها وابسته است.

دیدگاه برجسب زنی در مورد انحرافات دستخوش پیشرفت‌های نامنظمی شده است. در طی دهه ۱۹۶۰، دیدگاه برجسب زنی و کنش متقابل به عنوان دیدگاهی جدید و برجسته در جرم‌شناسی پدیدار شدند. در اواسط دهه ۱۹۷۰ در معرض انتقادات جدی قرار گرفتند و تا سال ۱۹۸۵ منسوخ شدند. پس از چندین سال، این دیدگاه از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ دوباره استفاده شد. این کاربرد جدید، علایق تحقیقاتی و تئوریک جدیدی را در نظریه برجسب زنی منعکس کرد که نشان دهنده قدرت بالقوه و ظرفیت این نظریه برای توضیح بزهکاری و جرم بوده است. در نظریه کلاسیک برجسب زنی، واکنش غیررسمی به عنوان بخش خاصی از واکنش‌های اجتماعی نسبت به انحرافات در نظر گرفته شده است. دیدگاه برجسب زنی هم بر روی کنش‌های رسمی و هم کنش‌های غیررسمی تأکید می‌نماید. اگرچه در گذشته تحقیقات مربوط به نظریه برجسب زنی به شدت بر روی واکنش‌های رسمی انحرافات متمرکز بوده است، تمرکز یکجانبه در مورد واکنش‌ها سبب نادیده گرفتن بخش با ارزشی از نظریه برجسب زنی

مرزهای فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی را درنور دیده است. سوء مصرف مواد و اعتیاد که به حق در میان مردم به بالای خانمان سوز شهرت یافته، امروزه به یکی از دغدغه‌های بزرگ جوامع بشری تبدیل شده است. تمامی صاحب‌نظران و متخصصان اعتیاد در این نکته اتفاق نظر دارند که اعتیاد و سوء مصرف مواد را باید یکی از بارزترین مشکلات زیستی - روان - اجتماعی دانست (مؤسسه ملی مبارزه با مواد، ۲۰۰۷). همچنین، نگرش سازمان با دوامی از باورها حول یک شیء یا موقعیت است که فرد را آماده می‌کند تا به شکل ترجیحی نسبت به آن واکنش نشان دهد (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین رفتار و نگرش‌ها همبستگی وجود دارد. به بیان دیگر، بیشتر نگرش‌ها به عنوان پیشاینده رفتار پنداشته می‌شوند. نگرش مثبت نسبت به مواد (مخدر) سبب کاهش ارزش منفی مصرف مواد و در نتیجه هنجارشدن و گسترش آن می‌گردد. عواملی از قبیل محیط اجتماعی و فرهنگی متعدد بر نگرش فرد نسبت به مواد مخدر، تأثیر می‌گذارند. از آنجا که معمولاً جلوه هر امری که به نوعی نابهنجاری تلقی شود به مراتب بیش از امور مطلوب و بهنجار است، به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی دانشگاه‌های ما دچار نابسامانی فرهنگی گسترده‌ای است (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲؛ سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۸). در چنین زمینه‌ای، مطالعه نگرش نسبت به مواد در میان دانشجویان دختر و پسر، مسأله‌ای مهم و درخور مطالعه خواهد بود.

یکی از حوزه‌های نسبتاً مغفول در تحقیقات مربوط به رفتارهای انحرافی دانشجویان، توجه به نظریه‌های واکنش اجتماعی و نقشی است که انگ‌زنی

نظریه را مورد آزمون تجربی قرار دهد و در پرتو این نظریه، نگرش دانشجویان نسبت به مواد را تبیین نماید. در واقع، برجستگی این پژوهش در آزمون تجربی انگ زنی غیررسمی در بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مواد است، زیرا این نظریه به جهت دشواری‌های مربوط به سنجش آن در پژوهش‌های داخلی کمتر مورد بررسی سیستماتیک تجربی واقع شده است.

پیشینه پژوهشی در بررسی تجربی نظریه انگ زنی

در تحقیقات داخلی مهمترین عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد و نگرش نسبت به مواد عبارتند از: نابسامانی و از هم گسیختگی خانواده، دوستان، جدایی والدین، مشکلات خانوادگی، مانند درگیری‌ها و تنش‌های موجود در خانواده، سابقه اعتیاد در میان اعضای خانواده، مشکلات اقتصادی، عدم آگاهی، ضعف شبکه حمایت اجتماعی، پرجمعیت بودن خانواده، بیگانگی بین فرزند و اعضای خانواده، فقدان روابط اجتماعی باثبات، ارتباط با همسالان منحرف (بویژه برای پسران)، نظارت ضعیف والدین، محیط آموزشی نامناسب و مشکلات مالی والدین. بررسی‌های انجام شده در حوزه مطالعاتی مرتبط با مواد نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها در سطح توصیفی قرار داشته‌اند و پژوهش‌های کیفی به عنوان مکمل آمارهای رسمی و پیمایشی بسیار کم بوده و ابزار مطالعه در بسیاری از آنها پرسشنامه بوده است. همچنین، عدم چهارچوب نظری یا عدم ارتباط چهارچوب نظری با متغیرهای تحقیق و نیز کاستی‌های روش‌شناختی از مصادیق بسیاری از پژوهش‌ها در این حوزه است. علاوه بر این، اغلب

شده است. علی‌رغم این نادیده گرفتن‌ها، اخیراً مطالعاتی انجام شده که در آن به واکنش‌های غیررسمی توجه شده است و با توجه به رونق نظریه برچسب زنی، بعضی از محققان مجدداً به واکنش‌های غیررسمی نسبت به انحرافات توجه کرده‌اند.

نظریه برچسب استدلال می‌کند که هیچ رفتاری به طور ذاتی نادرست یا منحرف نیست. اینها فرآیندهای برچسب زنی نامحسوس هستند؛ به طوری که اکثر مردم این قوانین را در واقعیت درونی و اطاعت می‌کنند تا حدی که رفتار آنها برایشان قطعی می‌شود. بنابراین، استدلال می‌شود که انحراف به طور ذاتی خوب یا بد نیست. انحراف تنها به عنوان چنین رفتاری برچسب خورده است، زیرا توصیف انحراف محصول واکنش جامعه به رفتار است. دانشجویانی که از جانب دگران مهم خود، نظیر: استادان، دوستان و والدینشان برچسب‌های منفی دریافت می‌کنند، باعث ایجاد خود انگاره منحرف در ذهن خود شده و به انجام اعمال منحرفانه جدی‌تر و بیشتر خواهند پرداخت. در واقع، بدنامی حاصل از برچسب هم بر نوع نگاه دیگران به فرد اثر می‌گذارد و هم بر خودپنداره منفی وی و نوع تصور او در باره خودش. از این رو، با توجه به این که برچسب‌های غیررسمی تأثیر بیشتری نسبت به برچسب‌های رسمی دارند، در این تحقیق سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود که برچسب‌های غیررسمی که از سوی والدین، دوستان و استادان بر دانشجو زده می‌شود، چه تأثیری بر نگرش مساعد وی نسبت به مواد (مخدر) دارد؟ این پژوهش در پی آن است تا علاوه بر بررسی وضعیت نگرش دانشجویان نسبت به مواد، با آزمون تجربی برچسب زنی غیر رسمی، قدرت تبیینی این

رفتار خواهند کرد، توجه شده است که این برداشت‌ها و برچسب‌ها به عنوان متغیر مهمی برای پیش‌بینی دلبستگی به والدین، دلبستگی به مدرسه و بزهکاری بعدی هستند. یافته‌های آنان بیان نمود که هم برچسب‌های عینی و هم برچسب‌های ذهنی فاکتورهای مهمی در مورد علت ارتباط بچه‌ها با منابع جامعه‌پذیری مهم، از قبیل: مدرسه، دوستان و بزهکاری بعدی هستند. سپس آنها نتیجه گرفتند که دیدگاه برچسب زنی می‌تواند به نظریه جرم‌شناسی و تحقیقاتی که قبلاً انجام شده‌اند کمک بیشتری کند (ژانگ، ۲، ۱۹۹۷).

ژانگ (۱۹۹۷) تحقیقی با عنوان واکنش غیررسمی و بزهکاری، انجام داد. وی در این تحقیق، از نظریه برچسب زنی استفاده نموده و با توجه به این نظریه به بررسی ارتباط میان واکنش‌های غیررسمی و بزهکاری پرداخته است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق براساس داده‌های به دست آمده از پژوهش‌های ملی جوانان بوده که با راهنمایی‌های ایوت و همکارانش انجام شده است. جمعیت تحقیق را نیز ۱۷۲۵ نفر از جوانان تشکیل داده‌اند که دامنه سنی آنها بین ۱۱ تا ۱۷ سال بوده است. همچنین، در این تحقیق برچسب غیررسمی که از سوی والدین، دوستان و معلمان بر فرد زده می‌شود، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند. بزهکاری نیز به عنوان متغیر وابسته و سن و نژاد نیز به عنوان متغیر مداخله کننده در نظر گرفته شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که اولاً میان برچسب‌های غیررسمی و بزهکاری‌های بعدی فرد ارتباط وجود داشته است. برچسب‌هایی که توسط والدین، دوستان و معلمان بر فرد زده می‌شود،

مطالعات سعی کرده‌اند تا شرایط زمینه‌ای برای اعتیاد به انواع مواد و کسانی که درگیر فعالیت‌های مرتبط با جرایم مربوط به مواد بوده‌اند را بررسی و تحلیل نمایند و به نظر می‌رسد که در ایران اغلب تحقیقات بیشتر به بررسی میزان شیوع سوء مصرف مواد در میان دانشجویان پرداخته شده است. همچنین، بیشتر پژوهش‌ها توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور انجام شده است، به همین خاطر، تعداد مطالعاتی که جمعیت تحقیق آنها دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی بوده‌اند، بیش از دانشجویان سایر دانشگاه‌هاست. موادی از قبیل: الکل، تریاک، حشیش و هروئین از جمله شایعترین مواد مصرفی در میان دانشجویان بوده‌اند.

با توجه به اینکه این تحقیق در پی تبیین نگرش دانشجویان نسبت به مواد (مخدر) از دیدگاه نظریه برچسب زنی است و در پژوهش‌های داخلی از این دیدگاه به بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مواد (مخدر) پرداخته نشده است، لذا مروری بر تحقیقات پیشین، معطوف به برخی از پژوهش‌هایی است که از دیدگاه نظریه برچسب زنی به تبیین بزهکاری پرداخته‌اند. در بحث از فرضیه‌های مربوط به انحرافات ثانویه از نظریه برچسب زنی، پیترو استر و ایوانی توجه بیشتری به واکنش‌های غیررسمی نسبت به واکنش‌های رسمی نمودند. ترب تیل و جورجورا^۱ مدلی یکپارچه از دیدگاه برچسب زنی و دیدگاه یادگیری اجتماعی صورتبندی کردند. در مدل آنها برچسب‌های والدین نسبت به فرزندان‌شان و برداشت‌های جوانان در مورد اینکه والدینشان به آنها به عنوان منحرف برچسب می‌زنند و به عنوان منحرف

² Zhang¹ Triplett & Jarjoua

است این یافته در بعضی موارد نتیجه تفاوت در سنجه‌های مورد استفاده باشد. یافته سوم این پژوهش، لزوم تحقیق اضافی روی تأثیر برچسب زنی غیررسمی را تصریح می‌کند. مطابق با مدل‌های بزهکاری عمومی و خطرناک، اهمیت سنجه‌های برچسب زنی غیررسمی بیشتر یا مشابه سنجه برچسب زنی رسمی بود. از دیدگاه نظریه برچسب، بزهکاری ثانویه ممکن است بیشتر کارکرد برچسب زنی غیررسمی باشد تا برچسب زنی رسمی. به طور خلاصه، یافته‌های این مطالعه تأییدی کلی برای نظریه برچسب ارائه می‌کند.

مطالعات خارجی نیز نشان می‌دهد که واکنش‌های غیررسمی دگران مهم در احتمال مصرف مواد تأثیر دارد، اما تأثیرات آن مشروط به متغیرهای خاصی، از قبیل: جنسیت، وضعیت تأهل و موقعیت شغلی است. مطالعات انجام شده بیانگر این هستند که واکنش‌های رسمی و غیررسمی نقش مهمی در توصیف رفتار انحرافی دارند. در واقع، انگ زنی غیررسمی نه تنها درگیر شدن در بزهکاری‌های بعدی را افزایش می‌دهد، بلکه عواقب منفی برای بخش‌های دیگر زندگی فرد انگ خورده، مانند روابط بین شخصی دارد.

نظریه برچسب زنی به عنوان چهارچوب نظری

رویکرد انگ‌زنی، در کتاب غریبه از هاروارد اس بکر که در سال ۱۹۶۳ به بازار آمد، مورد تقدیر قرار گرفت. عبارتی که موجب نامگذاری این رویکرد شد، این بود: گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانینی که نقض آنها انحراف محسوب می‌شود، به کارگیری این قوانین برای افراد خاص و برچسب‌زدن به آنها به

بر رفتار انحرافی و بزهکاری‌های بعدی تأثیر مهمی داشته است. زنان در مقایسه با مردان نسبت به عکس‌العمل‌های غیر رسمی آسیب پذیرتر بوده‌اند.

آدامز^۱ و همکارانش (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان برچسب زنی و بزهکاری فرآیند برچسب‌های دریافت شده را بررسی می‌کنند. این پژوهش سه هدف عمده را دنبال می‌کند: ۱- آزمون اعتبار مقیاس افتراق معنایی برای خود-انگاره منفی؛ ۲- تعیین تأثیرات نسبی برچسب زنی غیررسمی و رسمی روی خود گزارشی بزهکاری؛ ۳- تعیین قدرت پیش بینی متغیرهای برچسب درباره بزهکاری در اصطلاح عمومی و خطرناک درباره تخلفات مربوط به مصرف داروهای غیرقانونی. این پژوهش با استفاده از تحلیل ثانویه بر روی داده‌های یک مطالعه بزرگ در مورد نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به مصرف داروهای غیرقانونی و بزهکاری در بین دانش‌آموزان دبیرستانی می‌سی‌سی‌پی انجام گرفت. جمعیت نمونه ۳۳۷ نفر بودند که از این تعداد فقط ۲۷۷ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. یافته‌های حاصل از تحلیل اعتبار سنجه افتراق معنایی خود-انگاره را تأیید کرد. هنگامی که تعداد صفات توصیفی منفی افزایش یافت، درگیری گزارش شده جوانان هم در بزهکاری افزایش می‌یابد. این یافته، اشاره لمرت (۱۹۵۱) را بر بزهکاری ثانویه نشان می‌دهد. برچسب زنی معلم و همسالان تنها پیش بینی کننده‌های معنادار بزهکاری عمومی و خطرناک بودند. این یافته با مطالعات قبلی که برچسب زنی والدین را به عنوان قویترین پیش بینی کننده بزهکاری گزارش می‌داد، مخالف است. ممکن

¹ Adams

و نقش این برچسب در ایجاد هویتی کجروانه در فرد برچسب خورده است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵). می‌توان اصول دیدگاه برچسب‌زنی را این‌گونه بیان نمود: دیدگاهی از جرم و انحراف به عنوان امر نسبی؛ تمرکز بر اینکه چگونه قدرت و کشمکش جامعه را شکل می‌دهند و اهمیت تصور از خود (ویتو و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۹۲). کانون توجه این دیدگاه‌ها، معطوف به ماهیت کنش متقابلی است که میان "مجرم"، "بزه‌دیده" و "مقامات دستگاه جزایی" به وقوع می‌پیوندد. نظریه پردازان برچسب‌زنی مدعی‌اند که اصولاً این اعمال نظام جزایی و مقامات آن است که تعیین می‌کند چه چیزی را باید جرم شمرد. به بیان دیگر در نگاه آنان، مجرمانه خواندن رفتار یا مجرم‌شمردن فردی خاص، بسته به افرادی است که در عمل چنین برچسبی را وارد می‌آورند. در واقع، عنوان اصلی جرم را افرادی بر یک رفتار می‌نهند که قدرت وارد آوردن برچسب را دارند (وایت و هینز، ۱۳۸۶: ۱۸۵). در این دیدگاه، برچسب‌ها به دو دسته برچسب رسمی و غیررسمی تقسیم شده‌اند: برچسب رسمی به وسیله افراد حرفه‌ای و مقامات اجرایی زده شده و برچسب غیررسمی توسط خانواده و دوستان زده می‌شود (دانز و همکاران، ۱۹۹۷) و برچسب‌های غیررسمی تأثیر بیشتری نسبت به برچسب‌های رسمی دارند (لو و همکاران، ۲۰۰۰: ۴۹۹). طرفداران این دیدگاه، به ملاحظه تأثیر برچسب‌ها بر روی فردی که برچسب خورده، پرداخته‌اند. این جنبه از برچسب‌زنی، برچسب‌ها را به عنوان یک متغیر مستقل و یک عامل سببی نگاه می‌کند که رفتار انحرافی را به وجود می‌آورد. این

عنوان غیرخودی (بیگانه)، انحراف را به وجود می‌آورند. از این نظر، انحراف کیفیت عملی که فرد مرتکب می‌شود نیست، بلکه نتیجه کاربرد آن به وسیله افراد دیگر و قوانین برای متخلف است. فرد منحرف، فردی است که برچسب با موفقیت به او زده می‌شود، و رفتار انحرافی، رفتاری است که مردم برچسب بزنند» (بکر به نقل از چن، ۲۰۰۲: ۵۲). نظریه برچسب‌زنی، یک نظریه فرآیندی مسلط است و دلیل آن، توجه این نظریه به شیوه تحقق برچسب‌زدن است. با این همه، این نظریه دارای عواملی ساختاری در بحث خود از انواع افرادی است که احتمال بیشتر می‌رود که برچسب بخورند. به همین شکل، برچسب‌زنی، به طور عمده، نظریه‌ای کلاسیک نیز هست، بدان دلیل که به جای تأکید بر رفتار مجرمانه، بر جرم، قانون و فرآیندهای مربوط به این دو تأکید می‌کند (جانسون، ۲۰۰۱: ۲۰).

رهیافت برچسب‌زنی در مورد کجرفتاری را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: مسأله تشریح چگونگی و چرایی برچسب خوردن برخی افراد و تأثیر برچسب بر رفتارهای انحرافی آتی. نخستین دیدگاه از برچسب‌زنی، در واقع پرسش از دلایل برچسب‌زنی است. لذا برچسب، متغیر مستقل است که وجودش باید تشریح شود. این نظریه استدلال می‌کند که برچسب‌ها توسط افراد دیگر بر فرد زده می‌شود و فردی که برچسب به او زده شد، بر طبق آن خودش را درک و تفسیر می‌کند و به دنبال آن تعیین می‌کند که چگونه رفتار کند (سیچاویسوت و کنی، ۲۰۰۷: ۸۱۶).

توجه عمده نظریه برچسب، مصروف چگونگی وارد آمدن برچسب کجرو بر فرد، تحلیل این فرآیند

¹ William Downs

ویت، عبارت است از شرمساری پیوند دهنده^۳. وی از طریق این مفهوم می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که چه زمانی یک برچسب مجرمانه احتمالاً می‌تواند دارای تأثیر به وجود آورنده خودپنداره مجرمانه^۴ باشد و چه هنگامی برچسب مجرمانه احتمالاً می‌تواند دارای تأثیر پیشگیری از جرم باشد. بر خلاف نظریه پردازان برچسب زنی، بریت ویت نمی‌گوید که عدم مداخله مؤثرترین سیاست دستگاه جزایی است. در واقع، شرمساری برای کنترل اجتماعی ضروری است: مجرم و جامعه بزرگتر، از آیینی عمومی که در آن فعالیت کجروانه - و نه جنایی - به عنوان عملی غیراخلاقی تعریف می‌گردد، سود می‌برند. ارائه تعریف اخلاقی از امور (اخلاقی نمودن)^۵ به صورت غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی مجرمان نیز انجام می‌گیرد. موضوع اصلی آن چیزی است که به دنبال شرمساری حاصل می‌شود: ادغام مجدد یا داغ خوردگی. ادغام مجدد ضروری است، زیرا افراد شرمسار در نقطه چرخش زندگی خود قرار دارند؛ جایی که می‌توانند به جامعه عادی بازگردند یا به شدت در جرم غرق شوند. زمانی که روابط کیفی اجتماعی موجود باشد، ابزارهایی ارائه می‌شوند که متخلفان بخشیده می‌شوند و حمایت‌های لازم برای اینکه آنها بتوانند عضوی از جامعه شوند، ارائه می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق که برگرفته از نظریه برچسب زنی است، به شرح زیر است:

مسئله ممکن است از دو راه به وجود آید: ۱- برچسب ممکن است توجه مخاطبان برچسب زن را جلب کرده، موجب شود تا آنان برچسب زدن فرد را نگاه کرده، دنبال کنند؛ ۲- برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از انحراف بینجامد. هرکدام از این دو فرآیند ممکن است به تقویت کجرفتاری و آفرینش یک منحرف حرفه‌ای بینجامد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

برخی از نظریه پردازان برچسب زنی بسیاری از انتقادات مربوط به این نظریه را قبول کرده و تشخیص دادند که نظریه برچسب نیازمند تجدید نظرهایی است تا آن را به لحاظ تجربی زیست‌پذیرتر کند. برخی از این تجدیدنظرها فرضیه علت انحراف را در نظریه برچسب زنی رها کردند و در ازای مجدداً بر روی شناسایی اینکه خود فرآیند برچسب زنی چگونه اتفاق می‌افتد، تأکید نمودند. برخی دیگر نیز به سمت قرار دادن فرآیند برچسب زنی در زمینه بزرگتری از قدرت و تضاد اجتماعی حرکت کردند. آنها معتقدند که برچسب صرفاً تا جایی اهمیت دارد که تأثیراتش به زمینه وسیعتری از ساخت اجتماعی موکول باشد. برچسب‌های داغ زننده^۱ به مثابه یک علت غیرمستقیم رفتار انحرافی تلقی می‌شوند، به طوری که هم اکنون به لحاظ نظری باید سایر متغیرهایی که از طریق آنها ممکن است برچسب زنی تأثیر کند، شناسایی و تعیین شوند. قابل ملاحظه‌ترین این تلاش‌ها در جرم شناسی مربوط به بریت ویت^۲ است (ایکرز، ۲۰۱۳). مفهوم کلیدی در نظریه بریت

³ Reintegrative Shaming

⁴ Criminal Self-concept

⁵ Moralizing

¹ Stigmatizing Labels

² Braithwaite

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد برچسب غیر رسمی تأثیر مثبتی بر روی نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) دارد.

فرضیات فرعی

۱- بین سابقه رفتار انحرافی و نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) رابطه مستقیم وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین ارزیابی منفی والدین از فرد و نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) رابطه مستقیم وجود دارد.

۳- بین ارزیابی منفی استادان از فرد و نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) رابطه مستقیم وجود دارد.

۴- بین ارزیابی منفی دوستان از فرد و نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) رابطه مستقیم وجود دارد.

۵- بین ارزیابی منفی فرد از خود و نگرش مساعد نسبت به مواد (مخدر) رابطه مستقیم دارد.

روش‌شناسی

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی از نوع مقطعی است که با تکنیک پرسشنامه انجام شده است. واحد تحلیل نیز فرد (دانشجو) است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با توجه به آزمون رگرسیون چندگانه جبری انجام گرفته است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه، از روش اعتبار محتوا^۱ برای تمامی متغیرهای تحقیق و اعتبار سازه برای متغیر وابسته استفاده شده است. در اعتبار سازه مفهوم و مقیاس یا سازه تحقیق باید با روابط مورد نظر در تئوری‌ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگی

داشته باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق روابط یا جهت‌های پیش‌بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد، براساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مورد نظر از اعتبار برخوردار است (دواس، ۱۳۷۶: ۶۴). برای سنجش روایی مقیاس‌های مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ، انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها را نشان می‌دهد. نتایج سنجش روایی مقیاس‌های پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. البته، همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده، مقدار پایایی خرده مقیاس ارزیابی دوستان از فرد در سطح قابل قبول ۰/۷ پایین‌تر است؛ اگرچه با حذف هر یک از گویه‌های این خرده مقیاس نیز پایایی افزایش پیدا نکرد. لذا با توجه به اینکه پایایی این خرده مقیاس پایین است، پیشنهاد می‌شود که محققان آتی دست به تعبیه خرده مقیاس‌هایی با اعتبار بالاتر بزنند. همچنین، متغیرهای تحصیلات، شغل و درآمد والدین ابتدا استاندارد شده و پس از ترکیب، متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی به دست آمده است. علاوه بر این، ابعاد متغیر برچسب غیر رسمی با هم هم ارز شده‌اند. این متغیر دارای پنج مؤلفه بوده و از آنجا که تعداد گویه‌های آن یکسان نبوده‌اند، ابتدا با هم ارز شده و پس از ترکیب آنها، متغیر برچسب غیررسمی حاصل شده است.

¹ Content Validity

جدول ۱- نتایج تحلیل روایی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

ردیف	مقیاس	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
۱	سابقه رفتار انحرافی	۵۹/۹	۳/۹۹	۶	۰/۶۸
۲	ارزیابی منفی والدین از فرد	۹/۸۸	۳/۲۲	۶	۰/۶۹
۳	ارزیابی منفی استادان از فرد	۱۲/۳۰	۳/۸۵	۶	۰/۷۴
۴	ارزیابی منفی دوستان از فرد	۱۰/۷۰	۲/۶۹	۵	۰/۴۲
۵	ارزیابی منفی فرد از خود	۳۰/۹۰	۷/۹۳	۱۶	۰/۸۱
۶	بعد شناختی نگرش نسبت به مواد	۱۱/۹۰	۶/۶۱	۶	۰/۷۵
۷	بعد عاطفی نگرش نسبت به مواد	۱۰/۷۹	۵/۲۵	۶	۰/۸۴
۸	بعد رفتاری نگرش نسبت به مواد	۹/۲۶	۴/۴۵	۶	۰/۸۲

تعریف عملیاتی متغیرهای مورد بررسی

در این تحقیق نگرش نسبت به مواد به عنوان متغیر وابسته و برچسب غیر رسمی به عنوان متغیر مستقل بررسی شده‌اند.

نگرش نسبت به مواد

نگرش عبارت است از یک حالت عاطفی مثبت و منفی نسبت به هر چیزی که می‌توانیم در ذهن خود مجسم کنیم (لامارش، ۱۳۸۴)، به عبارت دیگر، ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند (کریمی، ۱۳۷۵).

این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری بوده که هر کدام از این ابعاد با شش گویه سنجش و اندازه‌گیری شدند. برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم نگرش نسبت به مصرف مواد به عنوان متغیر وابسته مجموعاً هجده گویه استفاده شده است. برای مثال، می‌توان به گویه‌هایی نظیر: "مصرف مواد آدم را سرزنده و با نمک می‌کند" (بعد شناختی)، "مصرف مواد بسیار لذت بخش است" (بعد عاطفی) و "وقتی در یک مهمانی یا جشن که دوستان و

اطرافیان مواد مصرف می‌کنند شرکت کنم، من هم حاضرم با آنها مواد مصرف کنم" (بعد رفتاری) اشاره نمود. از پاسخگویان خواسته شده است تا نظر خود را از ۱- کاملاً مخالف، ۲- مخالف، ۳- بی نظر، ۴- موافق و ۵- کاملاً موافق ابراز دارند. تدوین گویه‌های مقیاس نگرش نسبت به مصرف مواد بر اساس تحقیقات پیشین است (علیوردی‌نیا: ۱۳۸۸).

برچسب غیر رسمی

برچسب غیر رسمی شامل همسایه‌ها و دوستان است که تمایل به برچسب زدن بر فرد به عنوان نوع خاصی از فرد (برای مثال، بزهکار) دارند (لو، ۲۰۰۰: ۳). برچسب زنی غیررسمی شامل ابعاد سابقه رفتار انحرافی، ارزیابی منفی والدین از فرد، ارزیابی منفی دوستان از فرد و ارزیابی منفی فرد از خودش است. معرف‌های هر کدام از ابعاد برچسب غیررسمی و نحوه سنجش آنها به شرح زیر است:

بعد سابقه رفتار انحرافی؛ یعنی کلیه اعمال و رفتار منحرفانه و مجرمانه‌ای که قبلاً توسط فرد انجام گرفته است؛ خواه به علت انجام آن رفتار، توسط مقامات انتظامی و قضایی محکوم شده باشد و یا به دور از

استاندارد سازی و هم‌ارز کردن گویه‌ها

در این تحقیق متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی استاندارد شده و از ترکیب میزان درآمد، میزان تحصیلات و میزان منزلت شغلی پدر و مادر افراد به دست آمده است. یکی از دشواری‌های کار با مقیاس‌ها خواه با گویه‌های استاندارد و خواه با نمره‌های خام، تشخیص حد بالا و پایین مقیاس بسته به تعداد گویه‌های آن، توزیع آنها، تعداد طبقات آن گویه و حداقل و حداکثر نمره هر گویه مقادیر مختلفی می‌گیرد. برای غلبه بر این مسایل و مشهودتر کردن معنای نمره‌های مقیاس بهتر است مقیاس‌ها را به گونه‌ای تغییر دهیم که دارای مقادیر حداقل و حداکثر مشخص گردند (دوآس، ۱۳۸۶: ۲۶۷). یکی از راه‌های چنین تعدیلی فرمول زیر است:

$$n \times \text{دامنه} / (\text{مقدار حداقل در مقیاس} - \text{مقدار سابق}) - \text{مقیاس جدید} = \text{مقیاس هم‌ارز شده}$$

در این تحقیق ابعاد متغیر شدت برچسب غیررسمی هم‌ارز شده‌اند. متغیر برچسب غیر رسمی پنج بعد با تعداد گویه‌های متفاوت دارد. لذا ابتدا گویه‌های تمامی ابعاد هم‌ارز شده و سپس با هم ترکیب شده‌اند.

جمعیت تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

جمعیت تحقیق را کلیه دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ تشکیل داده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ۳۸۴ نفر از آنها انتخاب شدند، اما از آنجایی که پیش‌بینی می‌شد، همچون بیشتر تحقیقات پیمایشی، که تعدادی از پرسشنامه‌ها به دلایل گوناگون (بی‌جوابی، الگوی یکنواخت در پاسخ‌دهی، پاسخ‌های نامربوط و مفقود شدن پرسشنامه و...) قابل استفاده نیستند، لذا برای

چشم‌مقامات قانونی انجام داده باشد. برای عملیاتی کردن این مفهوم، از معرف‌های استفاده از مشروبات الکلی، تخریب وسایل عمومی، دریافت تذکر از نگهبان، مزاحمت حضوری برای جنس مخالف، تقلب در امتحانات و رد و بدل کردن فیلم‌های غیر مجاز استفاده شده است. از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را درباره گویه‌های این مقیاس با توجه به گزینه‌های ۱- هرگز، ۲- یکی دو بار، ۳- ۳-۵ بار، ۴- ۶-۹ بار و ۵- ۱۰ بار و بیشتر بیان کنند.

برای سنجش بعد ارزیابی منفی والدین از فرد، از معرف‌های داشتن استعداد، از عهده هر کاری برآمدن، دارای قدرت حل مسائل، نادان بودن، شرور و مشکل‌ساز بودن، داشتن زمینه برای کشیده شدن به هر خلافی استفاده شده است. همچنین، برای بعد ارزیابی منفی اساتید از فرد، معرف‌های داشتن استعداد، اهل مطالعه بودن، بی‌خیال بودن، نادان بودن، بی‌ادب بودن و عامل بی‌نظمی در کلاس در نظر گرفته شده است. معرف‌های باحال بودن، شجاعت، خوش‌فکری، نادانی و بی‌خیالی برای ارزیابی منفی دوستان از فرد در نظر گرفته شده است. بعد ارزیابی منفی فرد از خودش نیز با معرف‌های قبول داشتن راه خود، افتخار به خود، راضی بودن از خود، جای شخص دیگری بودن، دوست نداشتن خود و احترام به خود، ارزش گذاشتن دیگران به عقاید فرد، افتخار به وضعیت تحصیلی، رقابت با دیگران، بی‌مسئولیتی، مشارکت، حس عدم محبوبیت در گروه دوستان، روابط اجتماعی، حس بازنده بودن، بزهکار بودن و نادان بودن مشخص شده است. از پاسخگوها خواسته شد تا با توجه به ۱- کاملاً موافق، ۲- موافق، ۳- بی‌نظر، ۴- مخالف و ۵- کاملاً مخالف نظر خود را نسبت به سؤال‌های مربوط به این مقیاس بیان نمایند.

سال بود و دامنه سنی نیز از ۱۸ تا ۴۲ ساله را شامل می‌شد. همچنین، ۸۱/۲ درصد آنها در مقطع کارشناسی، ۱۵/۵ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۰/۷ درصد نیز در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بودند. همچنین ۸۵/۴ درصد آنها مجرد، ۱۳/۹ درصد متأهل و ۰/۷ درصد نیز طلاق گرفته بودند.

جلوگیری از کاهش حجم نمونه، در مجموع تعداد ۴۵۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت ۴۲۵ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

۳۳/۶ درصد از پاسخگویان پسر و ۶۶/۴ درصد از آنها دختر بودند. میانگین سنی به طور متوسط ۲۲/۰۸

توصیف متغیرهای مستقل

جدول ۲- توصیف متغیرهای مستقل

متغیر	شدت	پسر		دختر		جمع کل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
	دارد	۷۸	۵۴/۵	۱۱۰	۳۹	۱۸۸	۴۴/۲
	ندارد	۶۳	۴۴/۱	۱۶۵	۵۸/۵	۲۲۸	۵۳/۶
سابقه رفتار انحرافی	بدون پاسخ	۲	۱/۴	۷	۲/۵	۹	۲/۱
	خوب	۸۴	۵۸/۷	۲۱۳	۷۵/۵	۲۹۷	۶۹/۹
ارزیابی والدین از فرد	متوسط	۳۸	۲۶/۶	۴۸	۱۷	۸۶	۲۰/۲
	بد	۱۱	۷/۷	۸	۲/۸	۱۹	۴/۵
	بدون پاسخ	۱۰	۰/۷	۱۳	۴/۶	۲۳	۵/۴
	خوب	۶۶	۴۶/۲	۱۶۷	۵۹/۲	۲۳۳	۵۴/۸
ارزیابی استادان از فرد	متوسط	۵۷	۳۹/۹	۹۹	۳۵/۱	۱۵۶	۳۶/۷
	بد	۸	۵/۶	۴	۱/۴	۱۲	۲/۸
	بدون پاسخ	۱۲	۸/۴	۱۲	۳/۴	۲۴	۵/۶
	خوب	۶۴	۴۴/۸	۱۱۵	۴۰/۸	۱۷۹	۴۲/۱
ارزیابی دوستان از فرد	متوسط	۷۰	۴۹	۱۵۲	۵۳/۹	۲۲۲	۵۲/۲
	بد	۴	۲/۸	۶	۱/۲	۱۰	۲/۴
	بدون پاسخ	۵	۳/۵	۹	۳/۲	۱۴	۳/۳
	خوب	۷۳	۵۱	۱۶۸	۵۹/۶	۲۴۱	۵۶/۷
ارزیابی فرد از خود	متوسط	۴۶	۳۲/۲	۷۵	۲۶/۶	۱۲۱	۲۸/۵
	بد	۳	۱/۲	۲	۰/۷	۵	۱/۲
	بدون پاسخ	۲۱	۱۴/۷	۳۷	۱۳/۱	۵۸	۱۳/۶

بهتری از سوی دوستانشان نسبت به خود بیان داشته‌اند. در پاسخ به سؤال‌های مربوط به ارزیابی فرد از خود، دخترها در مقایسه با پسرها ارزیابی بهتری از خود داشته‌اند.

توصیف متغیر وابسته تحقیق

با توجه به داده‌های جدول ۲ ۵۳/۶ درصد (۲۲۸ نفر) سابقه رفتار انحرافی نداشته و ۴۴/۲ درصد (۱۸۸ نفر) بیان نمودند که سابقه رفتار انحرافی داشته‌اند. در مورد ارزیابی والدین از فرد دختران ارزیابی بهتری را نسبت به خود از سوی والدین و استادان‌شان در مقایسه با پسران بیان داشته‌اند، اما در مورد ارزیابی دوستان از فرد، پسرها نسبت به دخترها ارزیابی

جدول ۳- توزیع نگرش نسبت به مواد برحسب جنس

نگرش به مواد	پسر		دختر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مثبت	۱۳	۹/۱	۴	۱/۴	۱۷	۴
متوسط	۳۲	۲۲/۴	۲۹	۱۰/۳	۶۱	۱۴/۴
منفی	۹۵	۶۶/۴	۲۳۵	۸۳/۳	۳۳۰	۷۶/۶
بدون پاسخ	۳	۲/۱	۱۴	۵	۱۷	۴
جمع	۱۴۳	۱۰۰	۲۸۲	۱۰۰	۴۲۵	۱۰۰

پسران بیشتر از دختران بوده است (۹/۱ درصد در مقابل ۱/۴ درصد).
برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون چندگانه جبری استفاده شده است.

جدول ۳ نگرش دانشجویان را نسبت به مواد نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های جدول فوق ۴ درصد (۱۷ نفر) از پاسخگویان نگرش مثبت و در مقابل ۷۶/۶ درصد (۳۳۰ نفر) نگرش منفی نسبت به مواد داشته‌اند. نگرش مثبت نسبت به مواد در بین

جدول ۴- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده نگرش نسبت به مواد

متغیر	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	ارزش T (T.Value)	معناداری (Sig)
سابقه رفتار انحرافی	۰/۳۷	۰/۴۷	۹/۸۳	۰/۰۰
ارزیابی منفی استادان از فرد	۰/۱۱	۰/۱۶	۲/۸۶	۰/۰۰
ارزیابی منفی والدین از فرد	۰/۱۱	۰/۱۵	۲/۹۹	۰/۰۰
ارزیابی منفی دوستان از فرد	-۰/۰۵	-۰/۰۷	-۱/۴۴	۰/۱۵
ارزیابی منفی فرد از خود	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۸۶	۰/۳۸
	R ² = .39 Adj. R ² = .38 F = 40.95			R = .62
	Sig. = .000			

دانشجویان نگرش منفی نسبت به مواد داشته‌اند که این میزان در بین دختران بیشتر از پسران بوده است. نظریه برچسب زنی دارای دو بعد رسمی و غیررسمی است که در این تحقیق به نقش بعد غیررسمی برچسب زنی بر نگرش نسبت به مواد توجه شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون چندگانه جبری استفاده شده است. نتایج حاصل از فرضیه‌های تحقیق بدین شرح است:

فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت برچسب غیررسمی بر نگرش مساعد نسبت به مواد و فرضیه‌های فرعی آن مبنی بر تأثیر مثبت سابقه رفتار انحرافی، ارزیابی منفی والدین و ارزیابی منفی استادان از فرد بر نگرش مساعد نسبت به مواد تأیید شده است. برچسب غیررسمی شامل همسایه‌ها و دوستان است که تمایل به برچسب زدن بر فرد به عنوان نوع خاصی از فرد دارند. در این تحقیق، ارزیابی استادان، والدین و دوستان از فرد و نیز ارزیابی فرد از خودش به عنوان شدت برچسب غیررسمی در نظر گرفته شدند. فرض کلیدی دیدگاه برچسب‌زنی این است که واکنش‌های اجتماعی نسبت به افراد به عنوان خلافکار ممکن است سبب شود که افراد خودشان را به عنوان خلافکار درک کنند و از همین رو، خلافکاری‌شان بیشتر شود. تحقیقات نشان می‌دهد که پس از اینکه برچسب توسط دیگران زده شد، فرد به درونی کردن برچسب انحراف پرداخته، مشارکتش در فعالیت‌های بزهکارانه و خلاف افزایش می‌یابد که در این میان برچسب منفی که از سوی والدین، دوستان و استادان بر فرد زده می‌شود، در مقایسه با برچسب رسمی نظام قانونی تأثیر بیشتری دارد (سیچاوست و کنی، ۲۰۰۷: ۸۱۷). این یافته‌ها با نظریه برچسب

بر طبق یافته‌های جدول ۴، ضریب همبستگی چندگانه بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل و وابسته ۰/۶۲ با هم ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین ۰/۳۹ محاسبه شده است که بیانگر این مطلب است که ۳۹ درصد از نگرش نسبت به مواد، توسط مدل رگرسیونی که متشکل از پنج متغیر برچسب غیررسمی (سابقه رفتار انحرافی، ارزیابی منفی والدین از فرد، ارزیابی منفی اساتید از فرد، ارزیابی منفی دوستان از فرد و ارزیابی منفی فرد از خود) است، تبیین می‌شود. همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، از بین پنج متغیر وارد شده به روش جبری (همزمان) در مدل سه متغیر (سابقه رفتار انحرافی، ارزیابی منفی والدین از فرد و ارزیابی منفی استادان از فرد) با متغیر وابسته (نگرش نسبت به مواد) ارتباط معناداری نشان داده‌اند.

ضرایب تأثیر استاندارد رگرسیونی موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر سابقه رفتار انحرافی با ضریب تأثیر رگرسیونی ($\text{Beta}=0/47$)، قویترین پیش‌بینی‌کننده نگرش نسبت به مواد است. در رتبه دوم، ارزیابی منفی استادان از فرد با ضریب استاندارد رگرسیونی ($\text{Beta}=0/16$) و متغیر ارزیابی منفی والدین از فرد ($\text{Beta}=0/15$) قرار داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق ۴۴/۲ درصد از دانشجویان سابقه رفتار انحرافی داشته‌اند. دخترها در مقایسه با پسرها ارزیابی بهتری را از سوی والدین و استادان‌شان نسبت به خود بیان نموده و در مقابل، پسرها ارزیابی بهتری را نسبت به خود از سوی دوستان‌شان بیان کرده‌اند. همچنین ۷۶/۶ درصد از

سبب می‌شود که دانشجو این برچسب را بپذیرد و همواره با افرادی که مانند او دارای این برچسب هستند، ارتباط داشته باشد و به این ترتیب، در شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به مواد تأثیر می‌گذارد.

نظریه برچسب‌زنی در تبیین متغیر وابسته؛ یعنی نگرش نسبت به مواد گویا و قوی است، زیرا این نظریه بر این اساس است که عامل انحراف در یک جامعه، تلقی، طرز نگاه، برخورد و برچسب‌هایی است که آن جامعه به افراد و گروه‌های خاص خود اطلاق می‌کند؛ و بر این اساس است که واکنش‌های رسمی و غیررسمی نسبت به فرد معتاد می‌تواند بر رفتار و نگرش نسبت به مواد تأثیر بگذارد. این نظریه بر این اساس است که فرآیند برچسب‌زنی می‌تواند آثار منفی خاص خود را در پی داشته باشد؛ آثاری از این دست که ممکن است شخص برچسب خورده نقشی را به خود بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می‌شود و متناسب با آن برچسب عمل نماید؛ یعنی وقتی فردی از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد.

دانشجویانی که نگرش‌های مثبت یا خنثی به مواد دارند، احتمال مصرف و اعتیادشان بیش از کسانی است که نگرش منفی دارند. نیرومندی نگرش به متغیرهایی بستگی دارد. مهمترین متغیر تجربه مستقیم است. یکی از راه‌ها برای کسب نگرش درباره مواد، مصرف آن است. شواهد بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه نگرش‌هایی که از این راه کسب می‌شود، از نگرش‌های اکتسابی دست دوم قویتر و زنده‌تر است. از این رو، چون نگرش دانشجویانی که سابقه مصرف

همخوانی دارند. برچسب‌زنی، نظریه‌ای فرآیندی است و تحلیل‌های آن، بر واکنش‌های دیگران (کسانی که قدرت تعریف رفتار کسی و برچسب زدن به او را دارند) نسبت به افراد یا کنش‌ها و ارزیابی منفی از آن، متمرکز است. بر طبق این نظریه، برچسب زدن به شخص، ممکن است وی را به سوی رفتارهایی در جهت نقش مرتبط با برچسب، هدایت کند؛ حتی اگر آن صفت، کوچکترین شباهتی با وی نداشته باشد. در واقع، وقتی بر فردی برچسب زده می‌شود، سبب بدنامی شده، به نوعی موجب می‌شود شخص برچسب‌خورده، نقشی را به خود بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می‌شود و به شکلی متناسب با آن برچسب نیز رفتار می‌نماید. در مورد ارزیابی والدین می‌توان این‌گونه بیان نمود که ارزیابی منفی والدین از نوجوان باعث می‌گردد که نوجوان هویت نامناسبی از خود داشته باشد که می‌تواند در ایجاد رفتارهای انحرافی مؤثر باشد. در واقع خانواده و والدین علاوه بر اینکه موجب رشد شخصیت، باورها و الگوهای رفتاری فرد هستند، منبعی برای تنش، مشکل و اختلال نیز هستند. زمانی که والدین برچسب‌هایی از قبیل: معتاد، منحرف و مانند آن را بر روی فرزندشان می‌گذارند، آن برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از انحراف بینجامد. علاوه بر این، موفقیت دانشجو در بسیاری از موارد به قابلیت و توانایی استاد بستگی دارد. استاد در شکل‌گیری اعتماد به نفس، خودباوری و علاقه دانشجو نسبت به تحصیل نقش دارد. استاد حتی در برداشت‌های شخصی فرد نسبت به بسیاری از موضوع‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر استادی بر دانشجو همواره برچسب منفی وارد آورد، این امر

مواد داشته‌اند، به‌جای سرمشق‌گیری و الگوبرداری، اغلب از راه تجربه مستقیم بوده است، دشوارتر می‌توان نگرش آنان را به مواد تغییر داد. برای برقرارکردن ارتباط‌های متقاعدکننده مؤثر برای تغییر نگرش دانشجویانی که نگرش‌های مثبت یا خنثی به مواد دارند، لازم است عواملی را در نظر بگیریم که بر گستره تغییر نگرش مؤثرند. در ایران، اطلاعاتی کیفی قابل اعتماد در زمینه وضعیت سوء مصرف مواد و نوع نگرش دانشجویان نسبت به مواد وجود ندارد و راهبردهای مقابله با این مسأله نیز همچنان نامعلوم است.

رابطه بین رفتار و نگرش پیچیده است؛ یعنی نمی‌توان با دانستن نگرش شخصی، رفتار معینی را در او پیش بینی کرد. تغییر نگرش نسبت به مصرف مواد، نخستین گام در فرآیند تغییر رفتار اعتیاد آور و کاهش گسترش این نوع رفتار انحرافی است. بنابراین، بررسی چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها مهم است و شاید از همه مهمتر دگرگونی آنهاست. دانشجویانی که نگرش‌های مثبت و یا خنثی به مواد مخدر دارند، احتمال مصرف و اعتیادشان بیش از کسانی است که نگرش منفی دارند. از این رو، نظر به اینکه این تحقیق به عواقب و پیامد برچسب‌هایی که شخص از سوی دیگران مهم دریافت می‌کند، توجه می‌نماید، نتایج نشان می‌دهد که واکنش‌های غیررسمی، ممکن است شخص برچسب خورده را به سمت انحرافات بیشتر و بعدی سوق دهد. البته، واکنش‌های غیررسمی ممکن است به واکنش‌های رسمی نیز منجر شود. همچنین، واکنش‌های غیررسمی ممکن است پیامدهای منفی در بخش‌های دیگر زندگی فرد برچسب خورده، از قبیل در روابط بین شخصی داشته

باشد.

تا زمانی که افراد برچسب خورده منزوی و طرد می‌شوند، احتمالاً بیگانه‌تر و منحرف‌تر می‌شوند. البته، ممکن است گاهی انزوای اجباری منحرفان ضروری باشد، لیکن این که افراد انگ خورده از سوی جامعه طرد می‌شوند و پذیرفته نمی‌شوند، باعث می‌گردد که آنها پایگاه منحرف بودن را بپذیرند و متناسب با این پایگاه نقش خود را ایفا کنند. لذا به احتمال زیاد با تشدید رفتار انحرافی شان، همانند سازی آنها با هویت منحرفانه کامل می‌شود. با عنایت به مباحث فوق است که برخی از جرم‌شناسان پیشنهاد کرده‌اند که چون برچسب زنی بخشی از مجازات محسوب می‌شود، باید به سمت برچسب‌زدایی حرکت کرد تا دوباره فرد در جامعه ادغام شود و این یعنی دلالت‌های سیاستی که بر روی شرمساری پیوند دهنده بریث ویت و عدالت ترمیمی تأکید می‌کنند. در عدالت ترمیمی، هدف ترمیم، هم قربانی آسیب دیده و هم مجرم آسیب زده را در بر می‌گیرد. قربانیان پس از نقل رو در روی دردی که از متخلف متحمل شده‌اند، هم اعاده حیثیت می‌کنند و هم عذرخواهی جمعی دریافت می‌کنند. متخلفان نادم، از سوی قربانی میزانی از بخشش را دریافت می‌کنند و از سوی خانواده و اجتماع پذیرشی مجدد می‌یابند. تلاش‌های این چنینی در باب شرمساری و ادغام مجدد، تأثیر چشمگیری بر نظام عدالت جزایی گذاشته است. فرضیه اصلی بریث ویت این است که وقتی شرمساری ناشی از انگ زنی زیاد شود، جرم افزایش می‌یابد و وقتی شرمساری از نوع باز ادغام کننده باشد، جرم کاهش می‌یابد. این نظریه تبیین می‌کند که چرا در برخی جوامع نرخ جرم بالاتر از

فردوسی، استاد راهنما: جواد صالحی فلدردی. عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نی.

علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۷). "تبیین جامعه‌شناختی دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر: مطالعه موردی استان مازندران"، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، ش ۲۸، صص ۲۸۶-۲۹۷.

علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۸). *اثربخشی برنامه‌های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر*، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره سوم، ش ۳، صص ۱۴۳-۱۷۷.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۵). *روانشناسی اجتماعی*، تهران: ارسباران.

لامارش، لوک. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران.

وایت، راب؛ هینز، فیونا. (۱۳۸۶). *مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران: میزان، چاپ دوم.

Adams, M.S., Robertson, C.T, Gray-Ray, P., Ray, M.C. (2003). "Labeling and Delinquency", *Adolescence*, 38(149): 171-186.

Akers, R. L. (2013), "*Criminological Theories: Introduction and Evaluation*," Los Angeles, Roxbury.

Cechaviciute, I. & Kennt, D.T. (2007). *The Relationship Between Neutralization and Perceived Delinquent Labeling on Criminal History in Yung Offenders*

جوامع دیگر است و چرا برخی افراد بیشتر از دیگران مرتکب جرم می‌شوند.

منابع

دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.

رفیعی، حسن؛ جزایری علیرضا؛ نظری، محمد علی و سلمانی نیا، لیلا. (۱۳۸۶). *خواص روانسنجانه مقیاس سنجش نگرش نوجوانان به اعتیاد*، *مجله توانبخشی*، دوره هشتم، شماره اول، صص ۴۷-۵۰.

ستاد مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۸۸). *کتاب سال ۱۳۸۸ ستاد مبارزه با مواد مخدر*، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.

سراج‌زاده، سیدحسین؛ بابایی، مینا. (۱۳۸۸). "نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی و دلالت‌های مقاومتی آن: بررسی نمونه ای از دانشجویان"، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، ش ۳۶، صص ۱۵۳-۱۷۸.

سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه. (۱۳۸۲). "نگرش‌ها، آگاهی‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی" تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

ضیایی، سیده سلیل. (۱۳۸۸). *اثر آموزش کنترل توجه بر کاهش تورش توجه وابستگان به مواد مخدر*، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، مشهد: دانشگاه

- Melchior, M., Chastang, J., Guldborg, P. High prevalence rates of tobacco, alcohol and drug use in adolescents and young adults in France: results from the GAZEL Youth study. *Addictive Behavior*. 2007; 33: 122-133.
- National Institute of Drug Abuse (NIDA). Science-based prevention programs and principles. Retrieved from internet: WWW.DRUGABUSE.GOV. 2007.
- Naznin Sani, M. (2010). Drug Addiction among Undergraduate Students of Private Universities in Bangladesh. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 5, 498-501.
- Spain National Plan on Drugs. *National Drugs Strategy 2000-2008*, Spain National Plan on Drugs, 2000:25-26.
- Vito, G.F., & Maahs, J.R., Holmes, R.M. (2007). *Criminology: Theory, Research, and Policy*. Canada: Jones and Bartlett Publishers.
- Zhang. L. (1997). Informal Reactions and Delinquency. *Criminal Justice and Behavior*, 24: 129- 150.
- Serving Community Orders. *Criminal Justice and Behavior*. 34, 816- 829.
- Cem, O. Icsin, G . (2005). Perception of Drug Addiction among Turkish university Students: Causes, Cures, and Attitudes. *Addictive Behaviors*. 30, 1-8.
- Chen, X . (2002) . Social Control in China: Application of the Labeling Theory and the Reintegrative Shaming Theory. *International Journal of Offender Therapy and Comparative*. 46, 45-63.
- Downs, R. W., & Robertson, j. F & Harrison, L. R. (1997). Control Theory, Labeling Theory and the Delivery of Services for Drug Abuse to Adolescents. *Adolescence*: Spring, 32, 125, 1- 24.
- Johnson, M. (2001). *Criminal Justice System Involvement*. Ph.D. Thesis. Iowa State University.
- Liu, X. (2000). The Condition Effect Of Peer on The Relationship Between Parental Labeling and Youth Delinquency. *Sociological Perspectives*. 43, 3, 499-514.